

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

تیمور شاه تیموری
المان - 26 دسمبر 2011

کریم و لئیم

ز هر کیسه ای پیسه ای میر بود	شنیدم کسه مردی دغلباز بود
سخی طبع و دانا کرم پیشه ای	قضا را یکی مرد آزاده ای
دغاپیشه را حرص بنموده کور	پدیدار گشتی فروزان ز دور
نکردی ازان کورده خویش بیم	فرو کرد دستی به جیب کریم
برآورد دستی و سختش گرفت	سُبک آن سخی مرد دستش گرفت
سرافکنده ام زیـن گناه عظیم	تولا همیکـرد مرد لئیم
یکی بد نه بلکه دوصد کرده ام	ببخشای بر من که بد کرده ام
نه کاری نه مزدی و نی پیشه ای	فقیرم ندارم ره و توشه ای
رها کرد دست و بخواندش به پیش	تأمل نمود آن سخی مرد بیش
به دزدی نبایـد ببندی خیال	بگفتا تو ای مرد صاحب جمال
بدان اینکـه بر من نهیبی زدی	کنون که تو دستی به جیبی زدی
توئی حاصل زشت این روزگار	نگیرد دل من ز فکـرت قرار
کنون حال تو کی بدین گونه بود	جهان گر بتو مهر و رزیده بود
گروه دگر داده اندت مجال	ملامت نه تنها توئی در خصال

توئی آن توانا جوانی به فرد که شلاق دنیا رخت کرد زرد
بیا نــــــزد من تا توانت دهم توانی به روح و روانت دهم
برم نــــــزد عمل دولت ترا سرافراز سازم به خلعت ترا
دهم منصبی در خـور شان تو که آرام گیرد ز غم جـان تو
مگو اینکه دستی تو بر ما زدی که آن دست بر خوان یغما زدی
زبـون مرد رنگی ز رخ باخته بشد حالیش آنچــــــه دریافته

کرم کرد دانا به آن مرد ریش

کرم سرفرازی بیارد به پیش